پیشخوان

جستاری در چهارمین موج از بیداری اسلامی

در نسبت «انقلاب فرامدرن» با «تمدن اسلامی»

محمدرضا کائینی

در نظری کلی به تاریخ، «بیداری اسلامی» عمدتاً به واکنش جهان اسلام به تهاجم فکری-فرهنگی مدرنیته اطلاق می‌شود. پس از دوره‌ای طولانی از حاکمیت فرهنگی/سیاسی/اقتصادی غرب بر این کشورها، بسا نخبگان و دانشوران دینی و ملی آن، اندیشه کردند که چگونه می‌توان در برابر این موج بنیان‌برافکن ایستاد؟ این جریان دفاعی، به اشکال گوناگون خودنمایی کرد که هر یک، در جای خویش درخور بررسی است. این فرآیند اما در ایران، تاکنون مراحلی چهارگانه را پشت سر نهاده که اثری که هم‌اینک در معرفی آن سخن می‌رود، در صدد تحلیل این چهار مرحله است. «انقلاب فرامدرن و تمدن اسلامی» عنوان اثری است که به قلم دکتر موسی نجفی اصفهانی آمده و مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر، آن را منتشر ساخته است. ناشر در بخشی از دیباچه این اثر، در باب محتوای آن، چنین آورده است: «بیداری اسلامی در آغاز، خیزش پراکنده‌ای از ناحیه مسلمانان کشورهای اسلامی، در مواجهه با غرب و مدرنیته بود. بنابراین، پیشینه این جریان را باید به نخستین سال‌های این مواجهه- یعنی هنگام حمله ناپلئون به مصر- بازگرداند. البته، پایه بیداری اسلامی با نفوذ بیشتر مدرنیته در کشورهای اسلامی ابعاد تازه‌ای به خود گرفت، همان‌طور که در ایران از دوره جنگ‌های ایران و روس با شکل خاصی از بیداری روبه‌رو می‌شویم. به طور کلی بیداری اسلامی در ایران را می‌توان به چهار موج تقسیم کرد: دو موج نخست، به دوران قبل و بعد از مشروطیت، موج سوم، همزمان با روی کار آمدن رضاخان و نظام پهلوی، و موج چهارم، همزمان با به وجود آمدن انقلاب اسلامی، ایجاد شد. موج چهارم که همان بیداری اسلامی است، حدود دو قرن است که بانگ هویت‌بخشی و حرکت را

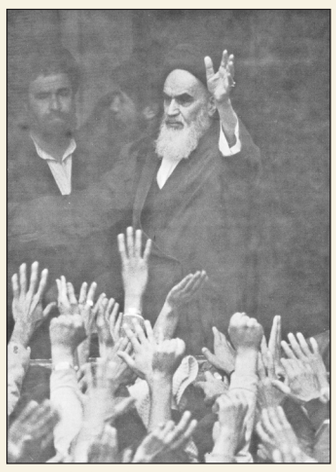

بهمن ۱۳۵۷. نمایی از یکی از دیدارهای عمومی امام خمینی

در دنیای اسلام سر داده است».

این مقدمه، فصول گوناگون این پژوهش را، به شرح ذیل شرح داده است: «کتاب «انقلاب فرامدرن و تمدن اسلامی، موج چهارم بیداری اسلامی»، چهار موج بیداری اسلامی را در چهار بخش مطرح و در باره آنها بحث و اظهار نظر می‌کند. در هر یک از این چهار بخش، بیداری اسلامی در گستره تاریخ ایران، نظریه‌پردازی و انقلاب اسلامی ایران، فلسفه مدنی ایران و تمدن اسلامی، به ابعاد مختلف و مراحل گوناگون بیداری اسلامی پرداخته می‌شود. مؤلف در بخش نخست که با عنوان «بیداری اسلامی در گستره تاریخ ایران» آمده است، به اندیشه سیاسی در نهضت‌های اسلامی تاریخ معاصر ایران و قیام تنباکو پرداخته و با نگاهی به مشروطیت از فراز تاریخ، تمدن اسلامی و تلاقی آن را با سه دوره تاریخی غرب بررسی کرده است. تلاقی سنت و تجدد، عدالتخواهی به عنوان اساس نهضت مشروطه و جنبش ملی در همین بخش آمده است. بخش دوم را به نظریه‌پردازی‌ها درباره انقلاب اسلامی اختصاص داده است. وی ابتدا با طرح پرسش از غرب در ساحت بیداری اسلامی فلسفه قیام عاشورا را با فلسفه انقلاب اسلامی مقایسه می‌کند و سپس انقلاب اسلامی را به عنوان بنیاد شالوده‌شکنی در نظریه‌پردازی غرب مطرح می‌کند. در بخش سوم که با نام فلسفه مدنی ایران آمده است ابتدا جوهره سیاست مقدس و فلسفه مدنی اسلامی مرور می‌شود و سپس شهرسازی و مدنیت اسلامی و نسبت آن با هویت ملی مقایسه می‌شود. تکوین هویت ملی ایرانیان و ذات این هویت و نیز بررسی اندیشه محافظه‌کاری در ایران مباحث پایانی این بخش را تشکیل داده است. نجفی در تمدن اسلامی به عنوان بخش پایانی، به راهکارها و چالش‌های پیش روی تمدن‌سازی اشاره کرده و وضع تمدن اسلامی را بررسی می‌کند. مباحث دیگر این بخش «نقدی به نظریه استنفورد در فلسفه تاریخ و مبانی روش تحقیق در علوم اجتماعی» و نیز «انقلاب فرامدرن» هستند».

دهه ۴۰. آیت‌الله حاج شیخ عباسعلی اسلامی در جمع کارکنان یکی از مدارس جامعه تعلیمات اسلامی

مدارس اسلامی بسترساز تربیت چند نسل از جوانان مذهبی و انقلابی

نمادی از تضاد تعلیم و تربیت دینی با آموزش پهلویستی!

علی احمدی فراهانی

پس از شهریور ۱۳۲۰ و رهایی ملت از اختناق رضاخانی، موجی از بازگشت به آداب و سنن مذهبی، در جامعه ایرانی پدیدار گشت. این حرکت، نتایج ارجمند و ماندگاری را موجب شد که تأسیس مدارس جامعه تعلیمات اسلامی با همت زنده‌یاد آیت‌الله حاج شیخ عباسعلی اسلامی، در عداد آنهاست. در مقالی که پیش روی شماست، سیری از تأسیس این طیف از مدارس تا امروز آن، مورد بازخوانی قرار گرفته است. امید آنکه تاریخ‌پژوهان معاصر و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

جامعه تعلیمات اسلامی سازمان آموزشی، غیر دولتی و غیرانتفاعی است که با هدف ترویج تعلیم و تربیت اسلامی بر پایه روش‌های نوین آموزشی، در ۱۳۲۴ ش. و در اوج دوران سرکوب مذهب و دین توسط حکومت پهلوی دوم- که ادامه سیاست‌های دین‌گریزانه رضاخانی بود- در تهران توسط مرحوم آیت‌الله شیخ عباسعلی اسلامی تأسیس شد. فعالیت‌های این تشکیلات در طول سال‌های متمادی، با فراز و نشیب‌های زیادی روبه‌رو بوده اما هم‌اکنون در سطح کشور فعال و بیشتر تمرکز آن، روی مسائل آموزشی است.

پاسخی به گرایش مذهبی جامعه ایرانی پس از شهریور ۲۰

هسته اولیه این جامعه، در سال ۱۳۲۰ ش. و با شکل‌گیری تشکلی به نام «جمعیت پیروان قرآن»، پایه‌گذاری شد و اعضای اولیه آن، عبارت بودند از: شیخ عباسعلی اسلامی، محمد فولادی، حسین میرخان، ابوالقاسم میرزایی، محمدرضا رجایی و عبدالحسین یوسف‌زاده. به این منظور، در ابتدا در منزل مرحوم اسلامی کلاس‌هایی شبانه (هفته‌ای دو شب) دایر شد که شامل چهار کلاس بود: سوادآموزی، معالم و علوم دینی، احکام و اخلاق، و مقدمات علوم عربی. از آنجا که این خلأ فرهنگی و مذهبی در آن دوران، در کشور به خوبی احساس می‌شد، این جمعیت با استقبال خوبی از سوی عامه مردم روبه‌رو شد، تا جایی که جمعیت پیروان قرآن گروهی از بازرگانان نیکوکار را، برای حمایت مالی از فعالیت‌های جمعیت، به همکاری دعوت کرد و در ادامه این حرکت، جدی‌تر و منسجم‌تر به کار خود ادامه داد.

افق کوتاه‌مدت و بلندمدت یک تشکل

به منظور انسجام بهتر امور، در سال ۱۳۲۸ ش. اساسنامه و مرامنامه جامعه تعلیمات اسلامی، در ۳۷ ماده و ۹ تبصره تنظیم و بر اساس آن، جامعه موظف بود در قالب غیردولتی و غیرسیاسی، به تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان در ایران یا خارج از ایران و از سطح آمادگی تا دانشگاه، بر اساس آموزه‌های مذهبی شیعه، به آموزش بپردازد. بر اساس اساسنامه جامعه تعلیمات اسلامی، این تشکل چاپ کتاب و نشریه و تأسیس بیمارستان و یتیم‌خانه را نیز در برنامه‌های خود آورد و بنابراین مجاز بود هر کدام از این فعالیت‌ها را، در داخل یا خارج از کشور انجام دهد. دو سال بعد نیز جامعه به صورت مؤسسه‌ای قانونی و حقوقی، به ثبت رسید که بر این اساس تشکیلات، شامل هیئت مدیره مرکزی، مدیرعامل، هیئت مدیره هر استان و هیئت مدیره هر واحد آموزشی بود.

مطالعه این اساسنامه، نشانگر آن است که بنیانگذاران آن، از نگرش علمی عمیقی نسبت به تحولات آن روز برخوردار بوده‌اند، چنانچه در مقدمه اساسنامه آمده است: «یکی از موضوعات مهم اجتماعی که در اثر تجربیات و مطالعات زیاد علما و دانشمندان در جامعه بشری ثابت و مسلم شده، این است که هر ملتی بیشتر از علم و دانش بهره‌مند باشد، سریع‌تر راه تکامل و ترقی خود را می‌پیماید. چون اهمیت و مقام علم روشن بوده و جای شک و تردیدی در این باره باقی نمانده و دین مقدس اسلام، به زبان‌ها و بیانات مختلفی، فراگرفتن علم را بر کلیه مسلمانان واجب کرده، بنابراین دیگر احتیاجی به ذکر دلیل و بحث بیشتری ندارد ولی چیزی که به نظر بسیاری از علمای واقعی جهان مهم بوده و قرآن مجید و پیغمبر اسلام(ص) و ائمه اطهار(ع) ما در آن تأکید بسیار فرموده‌اند، این است که تعلیم بدون تربیت و علم بدون اخلاق، برای بشر کافی نبوده و جز سیه‌روزی و بدبختی، محصول دیگری نخواهد داشت. بهترین دلیل هم، وضع کشور ما می‌باشد که به واسطه زیادی فساد اخلاق، چنان خرابی در کلیه شئون اجتماعی ما پدید آمده است، که ما را به فنا و نیستی سوق می‌دهد...».

عبارات فوق، به روشنی هدف اصلی از تأسیس جامعه تعلیمات اسلامی را، هویدا می‌کند. به عبارت بهتر، آنها حذف اخلاق و دین از نهاد آموزشی کشور را، علت اساسی وضعیت نابسامان آموزش و پرورش کشور دانسته و از این رو با گنجاندن اصول اسلامی در دستور کار خود و تدوین کتب و جزوات درسی در راستای تعالیم دین و حاکم ساختن فضای مذهبی بر مدارس، به یکی از اقدامات اساسی در عرصه فرهنگ دست زدند تا این ضعف را جبران کنند! بر این اساس، در نخستین سال‌های فعالیت جامعه، مواد درسی و گزینش معلمان، مطابق سلیقه هیئت مدیره انجام و با اینکه در مدارس وابسته به جامعه تعلیمات اسلامی، کتاب‌های علمی و فنی مصوب وزارت فرهنگ تدریس می‌شد اما کتاب‌های دینی و ادبی نیز، به انتخاب جامعه چاپ و منتشر شد. این کتاب‌ها با همکاری جمعی از استادان و نویسندگان مذهبی، مانند مرحوم علامه محمدحسین طباطبایی(ره)، شهید دکتر سیدمحمد بهشتی، شهید محمدجواد باهنر، علی گلزاده‌غفوری و ... تألیف می‌شد.

تهیه دفترچه «ارتباط خانه و مدرسه»

یکی از اقدامات جالب در مدارس ابتدایی جامعه تعلیمات اسلامی، تهیه «دفترچه ارتباط خانه و مدرسه» بود. صفحه اول این دفترچه، مخصوص ثبت مشخصات دانش‌آموز و آدرس وی بود. سپس نام دروس سال تحصیلی، به ترتیب سه ماهه اول و دوم و سوم قرار داشت که نمرات درس‌ها، در مقابل آنها قرار می‌گرفت. این دفترچه‌ها به شکلی جالب و جذاب، با توصیه‌های مذهبی تزئین شده بود. در صفحه پنج این دفترچه، از والدین دانش‌آموز خواسته شده بود بر تمام رفتار و کردار «نور چشمی» خود دقیق شوند و نکات و موارد غیرعادی وی را، به مدرسه گزارش دهند تا در جلسه شورای «خانه و مدرسه» مطرح شود، تا راهکارهایی برای درمان و حل آنها یافت شود!

چارت تشکیلاتی جامعه تعلیمات اسلامی

هیئت مدیره جامعه تعلیمات اسلامی، متشکل از ۲۲ عضو اصلی بود که در صورت داشتن شایستگی، به صورت مادام‌العمر این مسئولیت را عهده‌دار می‌شدند. هر یک از این اعضا، تابع قوانین و مقررات ویژه‌ای بوده و حق هیچ عمل خودسرانه‌ای با نام جامعه تعلیمات اسلامی را، مگر با تصویب دیگر اعضا، نداشتند. هیئت مدیره مرکزی جامعه تعلیمات اسلامی همچنین برای انجام امور جامعه، چهار کمیسیون تشکیل داد: کمیسیون‌های فرهنگی، مالی، تبلیغات و نشریات و کمیسیون سازمان، که هر یک آیین‌نامه مخصوص به خود داشتند. تشکیل جامعه تعلیمات اسلامی در نتیجه اشتراک مساعی روحانیون، معلمان و بازاریان تهران صورت گرفت و نگاهی به اسامی نخستین اعضای هیئت مدیره، واقعیت فوق را به وضوح نشان می‌دهد. این اعضا عبارت بودند از: ۱- حاج شیخ عباسعلی اسلامی سبزواری (روحانی) ۲- حاج شیخ نصرت‌الله شیخ‌العراقین‌بیات (روحانی) ۳- شیخ محمد آخوندی (روحانی) ۴- حاج‌عباسعلی بازرگان (بازاری) ۵- ابراهیم نیک‌سیر (معلم) ۶- حسینعلی گلشن (معلم) ۷- حاج غلامحسین دلیل‌تهرانی (بازاری) ۸- حاج سیدحسین عدنانی (بازاری) ۹- ابوالقاسم میرزایی (بازاری) ۱۰- حاج‌محمد جارالهی (بازاری) ۱۱- سیدحسین میرخان (بازاری) ۱۲- مرتضی ملکی (معلم) ۱۳- حاج‌ناصر عطایی (بازاری) ۱۴- حاج‌مصطفی ایروانی (بازاری) ۱۵- حاج سیدرضا مجد (بازاری) ۱۶- سیدمحمدرضا رجایی (معلم) ۱۷- حاج‌سراج انصاری (روحانی) ۱۸- دکتر فقیهی شیرازی (نماینده مجلس، روزنامه‌نگار، معلم) ۱۹- رحیم منصورمؤید (بازاری) ۲۰- حاج‌عبدالحسین یوسف‌زاده (بازاری) ۲۱- حاج‌عباس نجاتی (بازاری) ۲۲- حسین مزینی (بازاری و معلم).

با گسترش فعالیت‌های جامعه تعلیمات اسلامی و رونق برنامه آن در مدارس، رژیم پهلوی نخست در اوایل دهه ۵۰، بر نظارت و سختگیری خود بر مدارس جامعه تعلیمات اسلامی افزود و با سیاست رفع اجباری حجاب از دبیرستان‌ها، هیئت مدیره این جامعه را، در شرایط بحرانی قرار داد و بالاخره در سال ۱۳۵۳ ش. این مدارس مصادره شد و در سلطه رژیم شاه قرار گرفت

تعالیم جامعه تعلیمات اسلامی در تقابل با رویکرد سکولار پهلویستی

مهم‌ترین نکته‌ای که باید در مورد جامعه تعلیمات اسلامی ذکر کرد، این بود که این مدرسه به شکل مردمی و خصوصی اداره می‌شد و با رویکرد آموزشی و تربیتی مدارس دولتی- که زیر نظر نظام آموزشی رژیم پهلوی اداره می‌شدند- متفاوت بود و همین مسئله، مشکلاتی را برای مدرسه ایجاد می‌کرد. رویکرد مذهبی و آموزش دینی جامعه تعلیمات اسلامی، آموزش سکولار پهلوی دوم را آماج حمله غیرمستقیم خود قرار داده بود و این مسئله‌ای بود که هیچ‌گاه از چشم ناظران امنیتی رژیم پنهان نمی‌ماند و به صورت محسوس و نامحسوس فعالیت‌های این مدرسه همواره زیرنظر قرار داشت. جامعه تعلیمات اسلامی بسیاری از شعائر و آیین‌های رایج در مدارس دولتی را اجرا نمی‌کرد و همین مسئله حساسیت پهلوی دوم را نسبت به این مدارس دوچندان کرده بود؛ برای مثال آن‌چنان که عباسعلی اسلامی عنوان می‌کند: «در این مدارس به جای سرود صبحگاهی، مراسم دعا و نیایش به امام زمان برگزار می‌شده» اما رژیم به آنها دستور می‌دهد که باید تابع وزارت فرهنگ بوده و طبق دستور آن وزارتخانه رفتار کنند، حتی برنامه فقه را نیز حذف و منع انجام مراسم دعا به امام زمان(عج) شدند. به همین دلیل بود که ساواک همواره روی محصلان و فارغ‌التحصیلان جامعه تعلیمات اسلامی بسیار حساس بود و بسیاری از آنها را تحت کنترل اطلاعاتی و امنیتی خود داشت. نکته جالب این که فعالیت این مدارس با وجود سختگیری‌های رژیم پهلوی دوم نه تنها متوقف نمی‌شود، بلکه گسترش نیز می‌یابد.

حساسیت ساواک بر فعالیت جامعه تعلیمات اسلامی

کم‌کم دامنه گسترده فعالیت جامعه تعلیمات اسلامی و همچنین عدم هماهنگی بسیاری از برنامه‌های آموزشی و تربیتی آن با نظام آموزش و پرورش دولتی آن زمان، از چشم شهربانی و دایره مرموزات ارتش و ساواک، دور نماند و از این رو در بسیاری از گزارش‌های این سازمان‌های امنیتی، نسبت به ادامه فعالیت‌های جامعه، به مسئولان مملکتی هشدارهای جدی داده شد که بسیاری از این گزارش‌ها، اکنون در آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی نگهداری می‌شود. جامعه در سال ۱۳۳۱ ش. در ادامه فعالیت‌های فرهنگی خود، اقدام به انتشار ماهنامه‌ای به نام «تعلیمات اسلامی»، به صاحب امتیازی دکتر مرتضی ملکی و مدیر مسئولی مرحوم حسینعلی گلشن کرد که به دلیل محتوای غنی آن، بسیار مورد استقبال و توجه عموم و حتی افراد خاص و شاخص و تحصیلکردگان مذهبی، قرار گرفت، چنان که بیشتر شماره‌های آن، چند روز پس از انتشار نایاب می‌شد و به همین دلیل پس از مدتی، فروش آن به صورت آبونمان درآمد. یکی دیگر از اقدامات جامعه تعلیمات اسلامی، برگزاری جشن سالانه مبعث رسول اکرم(ص) با حضور عده زیادی از علما، فضلا، تجار، دانشجویان، معلمان، اساتید دانشگاه، کسبه و اصناف بود که در این روز، گزارش عملکرد سالانه جامعه، به وسیله هیئت مدیره اعلام می‌شد. جامعه در دهه ۱۳۴۰ ش. کم‌کم دامنه فعالیت‌های خود را گسترش داده و اردوگاهی تفریحی در کرج ایجاد کرد که زیر نظر محمد دادگسترنیا، اداره می‌شد. در این اردوگاه‌ها، شاگردان مدارس جامعه علاوه بر آموزش‌های غیردرسی، جهت‌گیری انقلابی و اسلامی نیز می‌یافتند. حجت‌الاسلام والمسلمین احمد سالک در این باره می‌گوید: «دغدغه اصلی مرحوم حاج شیخ عباسعلی اسلامی، تقویت کادر و تربیت نیرو برای گسترش فرهنگ اسلامی بود، که مآلاً به مبارزه با حکومت طاغوت می‌انجامید زیرا رژیم پهلوی بیش از هر چیز، دیانت مردم اعم از کوچک و بزرگ را نشانه گرفته بود. در فضای آموزشی‌ای که رژیم گذشته برای گسترش فرهنگ غربی و ترویج ولنگاری ایجاد کرده بود، تشکیل مدارس جامعه تعلیمات اسلامی و کادرسازی و تربیت مربی برای تدریس معارف اسلامی، کار بسیار بزرگی بود و واقعاً در آن شرایط سنگین خفقان و حمله به مظاهر اندیشه و فرهنگ دینی، قلب خانواده‌های متدین را شاد کرد. مرحوم حاج شیخ علی اسلامی نیز، همه هستی و سرمایه‌های مادی و معنوی خود را صرف حل مشکلات فرهنگی کرد که بخشی از آن، حمایت از تولید کتب و مجلات مختلف و مفید بود که برخی از آنها را خود ایشان تألیف کرده بودند. نظارت بر محتوای این تولیدات فرهنگی، کار بزرگی بود که ایشان وجهه همت خود قرار داده بودند و در این زمینه، از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کردند. محتوای کتب و نشریاتی که با حمایت و تحت نظر ایشان منتشر می‌شدند، به‌خوبی اندیشه بلند مرحوم اسلامی را نشان می‌دهند. من خود از نزدیک، شاهد بودم که ایشان برای تحقق رسالتی که بر دوش داشتند، چگونه خود را به آب و آتش می‌زدند و به دلیل کسب علوم دینی و برخورداری از سلیقه مستقیم در تربیت آن، در شناخت تولیدات فرهنگی صحیح و مناسب، صاحب‌نظر بودند».

تأیید مراجع تقلید وقت از کارنامه یک فعالیت آموزشی موفق

در اولین گام‌های فعالیت جامعه تعلیمات اسلامی، مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عباسعلی اسلامی، با سفر به مناطق گوناگون کشور و جلب همکاری ثروتمندان نیکوکار، شعبه‌های جدید مدارس جامعه تعلیمات اسلامی را، در شهرهای مختلف تأسیس می‌کرد که نخستین شعبه آن در کرمانشاه دایر و در مدت کوتاهی جامعه دارای ۱۸۵ مدرسه دخترانه و پسرانه و حدود ۶۰ هزار دانش‌آموز شد! این مدارس به‌زودی مورد تأیید مراجع عظام تقلید آن زمان قرار گرفت به طوری که آیات عظام سیدحسین بروجردی، سیدمحمدتقی خوانساری، سیدصدرالدین صدر، سیدمحمد حجت، سیدابوالقاسم کاشانی، امام خمینی، سیدمحسن حکیم، سیدمحمدرضا گلپایگانی، سیداحمد خوانساری، سیدمحمدهادی میلانی، سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی و... با حمایت‌های خود، از وجود چنین مدارسی اظهار خرسندی کردند. استاد شهید آیت‌الله مرتضی مطهری در خصوص کمک و حمایت‌های آیت‌الله‌العظمی حاج‌آقاحسین بروجردی به مدارس جامعه تعلیمات اسلامی، چنین گفته است: «یکی از مزایای برجسته معظم‌له (آیت‌الله بروجردی)، که نماینده طرز تفکر روشن وی بود، علاقه‌مندی به تأسیس دبستان‌ها و دبیرستان‌های جدید، تحت نظر سرپرستان متدین بود که دانش‌آموزان را هم علم بیاموزد و هم دین. معظم‌له دیانت مردم را، در بی‌خبری و بی‌اطلاعی و بی‌سوادی آنها جست‌وجو نمی‌کرد. معتقد بود اگر مردم عالم شوند و این علم به طور صحیح و معقول به آنها تعلیم شود، هم دانا خواهند شد و هم متدین. آن مقدار که من اطلاع دارم، مبالغ زیادی از وجوه سهم امام را، اجازه داد که صرف تأسیس بعضی دبستان‌ها و دبیرستان‌ها شود. درباره مدارس جامعه تعلیمات اسلامی، می‌دانم که کمک‌های شایانی کرده است. حتماً موارد دیگری هم هست که من فعلاً بی‌خبر هستم!...»

مصادره مدارس جامعه تعلیمات اسلامی توسط ساواک

با گسترش فعالیت‌های جامعه تعلیمات اسلامی و رونق این برنامه‌ها در مدارس، رژیم پهلوی نخست در اوایل دهه ۵۰، بر نظارت و سختگیری خود بر مدارس جامعه تعلیمات اسلامی افزود و حتی با مطرح کردن لایحه آموزش رایگان، درصدد تعطیلی آنها برآمد! همچنین با سیاست رفع اجباری حجاب از دبیرستان‌ها، هیئت مدیره جامعه تعلیمات اسلامی را، در شرایط بسیار بحرانی قرار داد و بالاخره در سال ۱۳۵۳ ش. با توجه به اوج مبارزه سیاسی و تبدیل مدارس جامعه تعلیمات اسلامی به پایگاه مبارزان و مخالفان دولت وقت، این مدارس مصادره و در سلطه حکومت ستم شاهی قرار گرفت و کارکنان این مدارس، به استخدام رسمی دولت درآمدند و فقط تعداد معدودی از این مدارس، توانستند به کار خود ادامه دهند. امیراسدالله علم وزیر وقت دربار شاهنشاهی، در کتاب خاطرات خود در این باره آورده است: «[به شاه] عرض کردم آیت‌الله خوانساری، بابت اینکه بخشنامه شده در بعضی دبیرستان‌ها- که به نام دبیرستان اسلامی [وابسته به جامعه تعلیمات] معروف است- بعضی دخترها که چادر دارند، باید چادر را بردارند، ناراحت است. او از لحاظ خودش ناچار است ناراحت باشد، چون پیشوای شیعه است و از لحاظ شیعه حرف او درست است. [شاه] فرمودند درست است، ولی من هم چاره ندارم، اگر این کارها را نکنیم که نمی‌توانیم جلوی چپ‌ها را بگیریم، به هر قیمتی شده این کار را خواهیم کرد، ولو به قیمت بستن این مدارس، مگر تمام انقلاب ما را، همین آخوندها تخطئه نکردند؟...»

جامعه تعلیمات اسلامی پس از پیروزی انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، مدارس تحت نظارت جامعه تعلیمات اسلامی، به دلیل دولتی شدن تمام مدارس کشور، به آموزش و پرورش تحویل شد اما در مرداد ۱۳۵۹، جامعه مدیریت تعداد معدودی از مدارس خود را با توجه به مصوبه‌ای از شورای انقلاب فرهنگی، به دست آورد و بالاخره در سال ۱۳۶۸، در پی تصویب قانون مدارس غیرانتفاعی، جامعه تعلیمات اسلامی مبادرت به اخذ مجوز و احیای مجدد کلیه مدارس خود کرد. جامعه تعلیمات اسلامی امروز بیش از ۸۰ مدرسه در کل کشور دارد و حدود ۱۷ هزار دانش‌آموز را، تحت تعلیم و تربیت خود قرار داده، که مجتمع آموزشی سیدالشهدای یزد، از بزرگ‌ترین مجتمع‌های آموزشی ایران و بزرگ‌ترین مجتمع آموزشی جامعه تعلیمات اسلامی است.

در اولین گام‌های فعالیت جامعه تعلیمات اسلامی، مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عباسعلی اسلامی، با سفر به مناطق گوناگون کشور و جلب همکاری ثروتمندان نیکوکار، شعبه‌های جدید مدارس جامعه تعلیمات اسلامی را، در شهرهای مختلف تأسیس می‌کرد که نخستین شعبه آن در کرمانشاه دایر و در مدت کوتاهی، جامعه دارای ۱۸۵ مدرسه دخترانه و پسرانه و هزاران دانش‌آموز شد!

دهه ۲۰. آیت‌الله حاج شیخ عباسعلی اسلامی در حال سخنرانی در حاشیه سفر تبلیغی به آبادان